

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

معدن «یورت» گلستان و معدن «وورو» امیل زولا



لیلی فرهادپور

● روزی، بازیگری با فخر به من گفت: «بعد از کار در معدن، بازیگری سخت‌ترین کار دنیاست!» و من لبخندی تلخ زدم و گفتم: «اصلا می‌دانید کار معدن چیست؟»

یکشنبه این هفته، وقتی رئیس‌جمهور به بازدید گور- معدن «یورت» رفته بود، معدنچی داغداری به او گفت: «اصلا هیچ‌کدامتان می‌دانید که کار در معدن یعنی چی؟»... من هم نمی‌دانم کار معدن چیست، فقط تصاویر دردناکی حک‌شده در اعماق مغزم دارم، از صفحات شاهکار امیل زولا یعنی رمان «ژرمنال»!

ماجرای رمان زولا در معدن زغال‌سنگ شمال فرانسه اتفاق می‌افتد، در سال ۱۸۸۵ یعنی ۱۳۲ سال پیش... رمان زولا با این صحنه شروع می‌شود که شخصیت اصلی در راه معدن «وورو» است، او که پیش از این- در کارگاه راه‌آهن کار می‌کرد، به جرم سیلی‌زدن به رئیس خود از کار اخراج می‌شود و حال آمده تا در این معدن زغال‌سنگ به استخدام درآید و این‌گونه در کار و زندگی سخت و دشوار معدنچیان نیز سهم می‌شود... چقدر این داستان آشناست... اصلا انگارهنگار که این رمان بیش از صد سال قدمت دارد.



مسلم‌ا در آن زمان معدن وورو دستگاه سنجش گاز نداشته چون هنوز اختراع نشده بود، حتما به‌جایش قناری‌ها قاصد مرگ بودند، گاز متان زودتر از آدم‌ها قناری‌ها را می‌کشت و این هشدار تخلیه معدن بود: ...

معدن یورت اما وقتی در روز نحس سیزدهم اردیبهشت منفجر شد، نه گازسنج داشت، نه قناری... و نه حتی یک مسیر اضافی برای تهویه هوا...!

کارگران معدن وورو در رمان امیل زولا، چند ماه بود حقوق نگرفته بودند، گرسنه بودند و در اعتصاب...!

کارگران معدن یورت، در استان گلستان، یک سال بود حقوق نگرفته بودند، ولی هنوز کار می‌کردند. البته اعتراضکی هم کرده بودند و همه اینها را همین یکشنبه به گوش رئیس‌جمهور رساندند...!

معدن وورو در رمان امیل زولا منفجر می‌شود، از تراکم گاز و از خراب‌کاری البته. همه می‌میرند جز قهرمان داستان. معدن یورت در گلستان هم منفجر می‌شود از نادرست‌کاری و ندانم‌کاری و نابخردی صاحبان آن و همه می‌میرند بدون استثنا...! از نبود امکانات و تجهیزات ایمنی کافی برای نجاتشان.

هفت سال پیش در کشور شیلی هم معدنی منفجر شد و رئیس‌جمهورش برای همدردی رفت پای معدن... ۳۳ معدنچی آنجا در اعماق گیر کرده بودند و ۴۴ روز بعد سالم و البته داغان بیرون آورده شدند. آنجا با اینکه جهان‌سوم است، ولی امکانات داشتند، حتی غذا و کسرو برای ۴۴ روز...!

یکشنبه این هفته، کارگران داغیده معدن یورت وقتی داشتند سر رئیس‌جمهور داد می‌زدند، از پلاسکو گفتند و هجمه‌ای که رسانه‌ها برای آواربرداری و بزرگ‌کردن آن راه انداخته بودند و داد می‌زدند که مسئولان و مردم آنها را تنها گذاشتند...!

و من به یاد این اقدام که در این‌همه فیلم و گزارش از پلاسکو - و البته از دیدارهای شب‌روز قالیباف از آنجا - نه کسی دادی ز د و نه کسی دشنامی به قالیباف داد... درحالی‌که آن‌موقع هم، همه دلشان پر بود، اما می‌دانیم که پلاسکو را ایزوله کرده بودند و حتی خبرنگاران مستقل را راه ندادند.

و یادآوری همه اینها مرا بیشتر به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری و رأی‌دادن مجدد به روحانی ترغیب کرد؛ نه برای آنکه دیگر مصیبت‌هایی این‌چنین را شاهد نباشیم یا سرمان نباید... نه... اما دیگر مطمئن شدم‌ که لاقال اگر روحانی رئیس‌جمهور شود، می‌شود سرش ادای کشید و امید داشت که با کسی برای اعتراض برخورد نمی‌شود همه امیدم به همین است و می‌دانم این چیز کمی نیست. همین اجازه اعتراض‌داشتن‌هاست که مملکت را به سامان خواهد رساند. بیاید همه به روحانی رأی بدهیم...!

گروه هنر: در مستندهای شش کانیدای ریاست‌جمهوری، کارگردان شاخصی دیده نمی‌شود یا اگر هم باشد در پشت‌صحنه است و نامش علنی نمی‌شود. دلیل آن معلوم نیست، از آن‌طرف هم کانیدها‌ها اغلب به فرهنگ و هنر بی‌توجه بوده‌اند و به‌جز مستند اول روحانی و بخش‌هایی از مستند هاشمی‌طبا، ساین به آرامی از این مقوله گذشته‌اند.

شجریان، فرهادی و کیارستمی درخصوصِ روحانی
یکی از مستندهای انتخاباتی حسن روحانی با تصنیف گلچهره از فیلم «دلشدگان» با صدای محمدرضا شجریان شروع می‌شود و با تصاویری از لحظه اعلام نام اصغر فرهادی به‌عنوان برنده اسکار بهترین فیلم خارجی ادامه می‌یابد و از همین‌جا شاهد تمرکز این مستند بر فرهنگ و هنر هستیم، در مستند تازه‌ای که از سوی ستاد انتخاباتی حسن روحانی ساخته شده، برنامه‌ها و توفیق‌های دولت یازدهم در حوزه سینما مرور شده است. در این فیلم دولت روحانی، دولتی مردم‌سالار و فرهنگ‌سالار معرفی شده است. ازجمله دستاوردهای فرهنگی و هنری دولت یازدهم در حوزه سینما که به آنها اشاره شده، افزایش ۲۰۰ درصدی تولید فیلم، تعداد مخاطبان، اکران و فروش، افزایش ۲۲۰ درصدی تعداد تماشاگران و افزایش آنها از هفت میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در سال ۹۲ به ۲۵میلیون و ۳۰۰هزار نفر در سال ۹۵،افزایش ۴۰۷ درصدی فروش سینما از ۳۰میلیارد تومان در سال ۹۲ به ۱۷۰میلیارد تومان در سال ۹۵، برون‌سپاری تجهیزات فنی با هدف توانمندسازی بخش خصوصی سینما، دیجیتالی‌شدن سیستم پخش همه سینماهای ایران، بازگشایی خانه سینما، احیای تولید فیلم‌های کودک و نوجوان، حمایت از فیلم‌اولی‌ها، تأسیس گروه سینمایی هنر و تجربه با اکران ۳۳۶ فیلم مستند، کوتاه، انیمیشن و بلند از سال ۹۲، راه‌اندازی و آغازبه‌کار مدرسه ملی سینما، طراحی و استقرار سینما سیار در بیش از صد شهر فاقد سینما، افزایش سالن‌های سینما از ۳۰۶ پرده به ۴۱۴ پرده در سال‌های ۹۲ الی ۹۵، بازسازی و تجهیز سالن‌های سینما با هزینه‌ای بالغ بر ۱۱میلیارد و ۹۸۲میلیون تومان برای ۱۷۲ سینما در سال‌های ۹۲ الی ۹۵،افزایش تولید فیلم مشترک با سایر کشورها و راه‌اندازی سامانه نمایش درخواستی (وی‌اودی) با سه‌میلیون و ۴۰۰هزار نفر مشترک است.

اما مستند اصلی روحانی، همان فیلم قبلی تبلیغاتی اوست که در آن بخش‌هایی درباره رفقای روحانی در انتخابات دوره دوازدهم ریاست‌جمهوری و بحث اقوام و هنرمندان اضافه شده است. همچنین تمامی حقییات فیلم پیشین دکتر حسن روحانی‌که صداسوسما آن را در زمان پخش از سیما و شبکه اول حذف کرده است، بار دیگر در فیلم گنجانده شده. فیلم با کلیپ اختصاصی مستند رئیس‌جمهور روحانی به پایان می‌رسد.

مستند دوم دکتر حسن روحانی شب گذشته (۱۹ اردیبهشت) ساعت ۲۲ از شبکه یک سیما پخش شد.

میزگرد- مستندی با دغدغه‌های خاص

فیلم مستند اسحاق جهانگیری با عنوان «همه برای ایران» هرچند در ظاهر شکل فیلم مستند نداشت،

گزارشی درباره فیلم‌های تبلیغاتی کانیدها

مستندهایی با حرف‌های دلچسب



اما به نظر می‌رسد مباحثی که قرار بود جهانگیری به آنها بپردازد در آن مطرح می‌شود؛ مباحثی که شاید هیچ‌وقت در مناظره‌ها فرصت پرداختن به آنها به دست نمی‌آمد، اما در این مستند نیم‌ساعته این نامزد درباره موضوعاتی چون بازشدن فضای گفت‌وگو در دولت یازدهم، سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ و سینما، ورزش و دانشگاه، فرصت صحبت، ارائه نظرات و تبادل آن را در حضور چهره‌های شاخص سیاسی، فرهنگی و هنری همچون سعید لیلاز، صادق زیباکلام، سیدمحمد بهشتی، فرشته طائرپور و سمیه توحیدلو پیدا کرد.

در بخش‌هایی از این میزگرد، به مباحث فرهنگی به صورت ویژه اشاره شد. هرچند طائرپور کمتر صحبت کرد، اما سیدمحمد بهشتی به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران سینمای بعد از انقلاب گفت: «همین اتفاقی که در این جلسه افتاد، در چهار سال دولت یازدهم رخ داد؛ یعنی اقتصاد و سیاست آنچنان فضا را پر کردند که اجازه عرض‌اندام به فرهنگ را ندادند که فضای متشنج حوزه فرهنگ را آرام کنند، اما نشاط بر آن حاکم نشد. امنیت ایجاد شد، اما احساس امنیت نه.»

در بخشی دیگر هم جهانگیری با اشاره به تعطیلی خانه سینما در دولت پیشین و برنده‌شدن جایزه اسکار از سوی اصغر فرهادی گفت: «بایه هر توسعه‌ای فرهنگ است و بدون آن امکان‌پذیر نیست. از قضا دولت پیشترین پول را به همین نهاده‌ها می‌دهد، اما هیچ‌کدام هم به دولت پاسخ‌گو نیستند. من امیدوارم که در دولت بعدی تعامل بین هنرمندان و دولت بیشتر باشد.»
سمیه توحیدلو هم در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «درست است که مردم با اقتصاد نان می‌خورند، اما با فرهنگ و آزادی‌های فرهنگی نفس می‌کشند.» در پایان این مستند- میزگرد، قطعه‌ای موسیقی با تریج‌بند «دریغ است ایران که ویران شود» به آهنگ‌سازی صدق‌چراغی و با صدای علیرضا قربانی با تصاویری از مکان‌های دیدنی ایران پخش شد.

«میرسلیم» وقتی وزیر بود

سیدمصطفی میرسلیم، دیگر کانیدای ریاست‌جمهوری، نیز با فیلم مستندی، روایتی از زندگی و فعالیتش داشت. روایت سال‌های کودکی و نوجوانی

یک روز در نمایشگاه کتاب تهران

خاطره نمی‌شود



خرید عناوین موردنظر آنها را برای استفاده طلاب به حوزه علمیه می‌برند. او نمایشگاه را مکان مناسبی برای مرور کتاب‌های مورد نیاز می‌داند و به‌هرتقدیر بودنش را بر نبودنش ترجیح می‌دهد.

نیم‌ا حق‌جو دانشجوی علوم پزشکی است و برای خرید کتاب‌های تخصصی از بخش بین‌الملل به این نمایشگاه آمده و برخی از منابع را هم در اینجا پیدا کرده است. حسن نیاکانی برای خرید کتاب‌های هنری به نمایشگاه آمده است و افزایش عناوین کتاب‌های فرهنگی و هنری را یک اتفاق تازه می‌بیند، اما دوست دارد نمایشگاه در مرکز شهر باشد تا اینکه به این نقطه دورافتاده شهر بیاید. نسرين بدخشانی به دنبال پژوهش در فرهنگ چین، ژاپن و کره است و هر نوع کتاب مرتبط با فرهنگ و هنر خاور دور را در این نمایشگاه یکپسری می‌کند و برخی از منابع مورد نیازش را هم در اینجا یافته است. او البته راضی است چون نمایشگاه نزدیک به ری و محل زندگی‌اش است. گلاب حقیقی به دنبال شعر است و دوست دارد تازه‌های شعر را از نمایشگاه با تخفیف خریداری کند. او بیشتر در نشر نگاه و مروارید این کتاب‌ها را یافته است.

در میان غرفه‌ها در نشر نگاه با کتاب‌فروشی مواجه می‌شوم که نمایشگاه شهر آفتاب را بهتر از صلا می‌داند، اما می‌گوید که خیلی دور است و شاید این راه دور از حوصله مردم خارج باشد.

در نشر افراز با اعظم کیان‌افراز مواجه می‌شوم؛ ناشری که در مدت ۱۳ سال در حوزه فرهنگ و هنر تلاش بسیار کرده است؛ به‌ویژه در حوزه داستان و تئاتر. او از پایین‌آمدن قدرت خرید مردم می‌گوید که چندان خوب نیست و از دوربودن شهر آفتاب می‌گوید که خیلی راحت در دسترس همگان نیست. او می‌گوید یکی، دو روز اول استقبال خوب بود، اما بعد از بارش شدید باران، با کاهش مخاطب روبه‌رو شده است. کیان‌افراز با آنکه کتاب‌های زیادی را

هنر

فیلم آسیب زده است، حضور نادر طالب‌زاده در بسیاری از صحنه‌های فیلم به‌عنوان پرشگر و شخصی که قرار است بخشی از روایت این فیلم با همراهی او نتیجه‌بخش باشد نیز نتوانسته این ایده را به‌درستی به نتیجه دلخواه برساند.

قالیباف با تکنیک مهدویان

فیلم با تصاویری از حضور سرزده قالیباف در مناطق حاشیه‌نشین و فقیر خوزستان شروع می‌شود. درحالی‌که راوی خود قالیباف است. «... من به محمداًبقر قالیباف به شما متعهد می‌شوم دولت مردم را تشکیل دهم و در یک دوره چهارساله با انقلابی اقتصادی پنج میلیون شغل ایجاد کنم...»

هم‌زمان دوربین کارگردان این فیلم که پلان‌هایش به پلان‌های محمدحسین مهدویان در ماجرای نمبروز بی‌شابهت نیست، روی چهره شهروندان اغلب خسته و غمزده حرکت می‌کند و موسیقی‌ای محزون که به‌خوبی در خدمت فضای اندوهگین فیلم است، پخش می‌شود. مستند با همین ریتم ادامه می‌یابد، درحالی‌که قالیباف در مقام راوی، به‌تروتمندبودن کشور ایران اشاره می‌کند و تفاوت آب‌وهوای شمال و جنوب و زیبایی‌های این سرزمین، زیرگردا، برخورد و قطار مسافربری در سمنان، انفجار معدن آزادشهر و وضعیت نابسامان زندگی حاشیه‌نشین‌ها، پلان‌های بعدی را تشکیل می‌دهند. ناکید مستند بر زندگی دشوار روستاییان و کشاورزان و ورشکستگی و تعطیلی واحدهای صنعتی است.

مستند کمی که جلوتر می‌رود، سوزناک‌تر می‌شود و نقطه قوت آن پلان‌هایی است که به پلان‌های مهدویان شباهت دارد. فیلم، ناگهان ریتم مهیج و شاد به خود می‌گیرد و با تصاویر مربوط به متروی تهران و پروژه‌های شهرداری میکس می‌شود و با موسیقی متن شاد و ریتمیک و مضامبه با شهروندانی که قالیباف را«ناجی تهران» معرفی می‌کنند، پخش می‌شود. در مستند بارها بر مردمی‌بودن قالیباف تأکید می‌شود. در این مستند ۲۷دقیقه‌ای، هیچ اشاره‌ای به فرهنگ و هنر ایران نمی‌شود. تنها اشاره به فرهنگ، قراردادن آهنگ معروف «نوبی» با چند پلان کوچک از نوازندگان سازهای محلی و بناهایی از اماکن معماری و آداب و رسوم اقوام ایران در دو دقیقه آخر آن است.

فرهنگ به روایت هاشمی‌طبا

موسیقی و تنوع تصویری از ارکان اصلی ساخت مستند تبلیغاتی سیدمصطفی هاشمی‌طباست. مستندی که با روایت هاشمی‌طبا از فرهنگ و هنر ایران آغاز می‌شود و در ادامه با مرور دستاوردهای ایران در سال‌ها روایتش را ادامه می‌دهد. پرداختن به فرهنگ ایران‌زمین و بناهایی که نشانه‌های رشد و بالندگی فرهنگی ما است از نکات حائز اهمیت این مستند است. مستند هاشمی‌طبا را فرزین رضاییان ساخته است. رضائیان پیش از این، ساخت سه مستند شکوه تخت جمشید، هفت رخ فرخ ایران و بازسازی پاسارگاد-بهشت کوروش بزرگ را به عهده داشته است. او همچنین نویسنده کتاب میراث جهانی ایران است که با همکاری خانه فرهنگ و هنر گویا و کمیسون ملی یونسکو در ایران تألیف شده است.

روزنه

موتور جست‌وجوگر کتاب

● شرق: «موتور جست‌وجوگر کتاب bookindex

یک جست‌وجوگر کتاب است که می‌توانید بر اساس نام کتاب، ناشر، نویسنده و مترجم اطلاعات کتاب موردنظرتان را با استفاده از آن جست‌وجو کنید. کافیسخت عبارت bookindexbot@ در قسمت جست‌وجوی تلگرامتان جست‌وجو کنید تا بتوانید از این موتور استفاده کنید. در ایام نمایشگاه کتاب امسال تا امروز بیش از ۷۰ هزار تراکش اطلاعاتی انجام شده است به این معنی که بیش از ۷۰ هزاریار بازدیدکنندگان از این روایت برای جست‌وجو استفاده کرده‌اند که رقمی فوق‌العاده است. ایده موتور جست‌وجوگر کتاب حدود دو سال پیش با شروع گسترش روایت‌های تلگرامی به فکر دست‌اندرکاران این موتور خطور کرد و پس از ساعت‌ها جلسه و کار فشرده، ورژن اولیه آن اواخر سال ۱۳۹۴ آماده استفاده شد. در این موتور جست‌وجوگر کتاب، اطلاعات تمامی کتاب‌هایی که تا به‌حال در ایران به چاپ رسیده موجود است و علاقه‌مندان به کتاب، دانشجویان، استادان و پژوهشگران می‌توانند بر اساس نام ناشر، نام مترجم، نام نویسنده، شابک کتاب و عنوان کتاب به زبان اصلی، به اطلاعات کتاب موردنظر خود دسترسی پیدا کنند. اگر بخواهیم مزایای این موتور را به‌طور خلاصه نام ببریم، موارد زیر مهم‌ترین خاصه‌های این موتور هستند:

۱- موجودبودن اطلاعات چندین میلیون کتاب در موتور جست‌وجوگر

۲- سرعت بسیار بالا در جست‌وجوکردن و پاسخ‌دادن

۳- حساس‌نبودن این موتور به غلط املائی و نگارش‌های اشتباه در هنگام نوشتن نام کتاب مورد جست‌وجو. به این معنی که اگر نام کتاب به اشتباه نوشته شود، این جست‌وجوگر به صورت هوشمندانه کتاب موردنظر را به‌درستی می‌یابد. لازم به ذکر است که این اتفاق برای اولین‌بار در موتورهای جست‌وجوگر فارسی انجام شده که کاری بسیار ویژه برای جست‌وجوگرهای فارسی است.

۴- توانایی جست‌وجو به زبان اصلی کتاب. اگر بخواهیم بدانیم کتابی به فارسی ترجمه شده است یا خیر و اگر شده باشد، تحت چه عنوانی به فارسی ترجمه و چاپ شده است، با جست‌وجوی عنوان اصلی کتاب به هر زبانی می‌مانند انگلیسی، فرانسوی، عربی و... در جست‌وجوگر، در صورت ترجمه و چاپ‌شدن کتاب به فارسی، عنوان کتاب و مشخصات آن را به شما می‌دهد.

گالری‌گردی

نقاشی‌های جراح قلب مشهور در گالری ایوان



● شرق: مجموعه‌ای از نقاشی‌های پروفیسور هرمز مەمشن در گالری ایوان به نمایش درمی‌آید. گالری ایوان در جدیدترین نمایشگاه خود، میزبان آثار نقاشی یکی از مشهورترین جراحان قلب جهان است. این نمایشگاه که «سایه خاموشی» نام دارد، روز جمعه، ۲۲ اردیبهشت با نمایش بیش از ۲۰ تابلو نقاشی که با تکنیک اکریلیک و ترکیب مواد خلق شده‌اند افتتاح می‌شود. تابلوهای این نمایشگاه را بهنام کارمانی از میان آثار پر تعداد مەمشن انتخاب کرده است. هرمز مەمشن نقاش خودآموخته‌ای است که در کنار فعالیت علمی سنگین خود به نقاشی می‌پردازد تا احساسات و حرف‌های ناگفته را بیان کند. برای مەمشن نقاشی شکلی از فعالیت هستی‌شناسانه است و به همین علت آثار او سرشار از خاطرات، پرسش‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خواب‌هایش هستند. پروفیسور هرمز مەمشن، در سال ۱۳۳۶ در تهران متولد شد و پس از گذراندن سال اول دبیرستان به آلمان رفت. او موفق به کسب دکترای روان‌شناسی و سپس پزشکی با رتبه اول شد و پس از آن دوره تخصصی جراحی قلب و عروق را در آلمان و سپس آمریکا گذراند. مەمشن علاوه بر اینکه چندین‌سال معاونت کل دیارتمان جراحی قلب و عروق دانشگاه مونیخ را برعهده داشت، جوایز و افتخارات متعددی مانند جایزه «نویاد «فریدریش ایرت» به‌عنوان دانشجوی استثنایی، جایزه ماکس پلانک برای دکترای استثنایی، جایزه ایالت فالز برای تحقیقات استثنایی، جایزه دانشگاه فنی مونیخ برای اختراعات در جراحی قلب و... را دریافت کرده است. هرمز مەمشن به‌عنوان پیشگام جراحی رباتیک در دنیا شناخته می‌شود و در سال ۲۰۰۰ اولین عمل کامل درپچه میترال با سیستم رباتیک را انجام داد. مەمشن پس از ۳۹ سال اقامت و فعالیت علمی در خارج از کشور، به ایران بازگشت تا اندوخته‌های علمی خود را به جوانان ایرانی منتقل کند. گفتنی است کاری ایوان همانند نمایشگاه‌های گذشته، درصد متعلق به خود از محل فروش این آثار را به یکی از خیریه‌های معتبر اهدا خواهد کرد. نمایشگاه «سایه خاموشی» ۲۲ اردیبهشت تا پنج خرداد در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهديه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، نب‌ست حمید، شماره ۱، برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند هرروز به‌جز شنبه‌ها از ساعت ۱۰ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.